



• ۴. «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ هَلْ يَصْلُحُ إِمْسَاكُهَا - إِذَا كَانَ لَهَا حَلَقَةٌ فَضَّةٌ قَالَ نَعَمْ - إِنَّمَا كَرِهَ اسْتِعْمَالَ مَا يُشْرَبُ بِهِ»^۱

این روایت صریح است در اینکه حکم (کراهت یا حرمت) مربوط به شرب است که البته با الغاء خصوصیت می توان اکل را هم به آن ضمیمه کرد.

البته در میان روایات دو روایت هم موجود است که از تخت خواب طلائی و زین و دهنه طلائی اسب هم نهی کرده اند:

○ «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ رَبِيعٍ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ السَّرِيرِ فِيهِ الذَّهَبُ - أَوْ يَصْلُحُ إِمْسَاكُهُ فِي الْبَيْتِ - فَقَالَ إِنْ كَانَ ذَهَبًا فَلَا - وَإِنْ كَانَ مَاءَ الذَّهَبِ فَلَا بَأْسَ.»^۲

○ «وَسَأَلْتُهُ عَنِ السَّرَجِ - وَاللَّجَامِ فِيهِ الْفِضَّةُ أَوْ يُرْكَبُ بِهِ - قَالَ إِنْ كَانَ مُمَوَّهًا لَا يَقْدَرُ عَلَى نَزْعِهِ فَلَا بَأْسَ - وَإِلَّا فَلَا يُرْكَبُ بِهِ.»^۳

نکته دوم امام خمینی:

ایشان کراهت به کار رفته در روایات را به معنای کراهت اصطلاحی دانسته اند و شاهد آن را هم عطف ظروف فضه و ظروف مفضضه می دانند. (چراکه می دانیم آب آشامیدن در ظروف مفضضه مکروه است) شاهد دیگر را هم موثقه برید می دانند (روایت ۱۳) که در آن ظروف تدهین و شانه هم در کنار ظروف فضه مورد کراهت قرار گرفته اند در حالیکه می دانیم آنها حرام نیستند.

نکته سوم امام خمینی:

ایشان در پایان حکم به کراهت را، حکمی سهل و علی القاعده می دانند و تنها در صورتی که روایات اهل سنت را ببذیریم، از این حکم صرف نظر می کنند:

«و الإنصاف: أن الجمع بين الطائفتين من أهون التصرفات العقلانية. نعم لو كانت الروايات التي من طرقهم معتبرة عندنا، كان الجمع بينهما مشكلاً، لكنّها غير معولّ عليها. هذا حال الأكل و الشرب.»^۴

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۳، ص: ۵۱۱

۲. وسائل الشیعة؛ ج ۳، ص: ۵۱۰

۳. وسائل الشیعة؛ ج ۳، ص: ۵۱۱

۴. کتاب الطهارة (للإمام الخميني، ط - الحديثة)؛ ج ۴، ص: ۲۰۵



ما می‌گوییم:

اینکه کراهت در صدر اسلام به معنی کراهت اصطلاحی بوده باشد، معلوم نیست ولی اینکه به معنی حرمت هم باشد معلوم نیست بلکه معنی اعم از آنها دارد و لذا هم با حرمت جمع می‌شود و هم با کراهت. پس چون از طرفی روایت دال بر جواز اکل و شرب نداریم و از طرفی روایت دال بر حرمت داریم جمع روایات به اینکه همه را حمل بر حرمت کنیم، بی‌نقص به نظر می‌رسد.

اللهم الا أن یقال: مطرح شدن سریر و زین و لگام (اگر طلائی باشند)، به نوعی می‌توان آدمی را مطمئن کند که مراد شارع نهی از اشرافیت است و این نهی هم به قرینه لفظ کراهت، تنزیهی است و لذا می‌توان گفت هر آنچه مکروه است رفتار اشرافیت مترفانه است.

اما با توجه به آنچه از امام خواندیم، آنچه در این روایات تحریم شده است، صرفاً اکل و شرب است و استفاده های دیگر را نمی‌توان به سبب این روایات تحریم کرد.

دو نکته پایانی:

نکته اول)

شرب و اکل به وسیله آلات طلائی (غیر آئینه) مثل شیرآب، نی یا قاشق و چنگال و چاقو و یا وسیله های غذا خوری ژاپنی ها و ... چه حکمی دارد؟

در این باره - اگر حکم به کراهت رفتار اشرافی نکردیم - می‌توان به اطلاق روایت صحیحه علی بن جعفر - به انضمام الغاء خصوصیت نسبت به شرب - استناد کرد، در این روایت خواندیم: «اما کره استعمال ما یشرب به»

نکته دوم)

در پایان باید یک نکته را معلوم کنیم و آن اینکه بر فرض که اکل و شرب از آئینه حرام باشد (یا مکروه باشد)، در حقیقت چه چیزی حرام است؟
چندین صورت قابل فرض است.

✓ الف) اکل حرام است یعنی از گلو پائین دادن غذایی که در ظرف طلا و نقره بوده، حرام است (مثل آنکه وقتی می‌گوییم اکل در رمضان حرام است یعنی بلعیدن حرام است) پس مراد آن است که «بلعیدن غذایی که در ظرف طلا و نقره است حرام است.»

✓ ب) اکل حرام است یعنی استفاده بدون واسطه از ظروف مذکوره در اکل حرام است (یعنی اینکه مستقیماً از این ظرف بخوریم ولی اگر غذا در ظرف طلا باشد و از آن برداریم و در بشقاب چینی بریزیم اشکال ندارد.)

✓ ج) اکل حرام است یعنی استفاده از ظروف مذکوره حرام است مطلقا در اکل (مقابل فرض ب).

✓ د) اکل حرام است یعنی استفاده از غذای داخل این ظروف حرام است مطلقا (حتی اگر برای اکل نباشد و مثلا

بخواهیم آن را به سگ دهیم).

✓ هـ) اکل حرام است یعنی غذا حرام است. (فرق این فرض با فرض الف آن است که در فرض الف، غذا حرام نیست

و لذا اگر کسی در ماه رمضان از ظرف طلایی غذا بخورد، افطار به حرام نکرده است ولی در این فرض، افطار به

حرام کرده است)

